

گزارشی تاریخی و خواندنی از رویدادی که ۲۹۱ سال قبل برای تعدادی از زائران بحرینی اتفاق افتاد

گرمای عنایت امام رضا(ع) در کولاک طُرُق



دو تصویر از کاروان زائران در دوره قاجار که به سمت خراسان می آیند

مرضیه ترابی ا رابطه زائر با امام^(ع). یک رابطه عمیق اعتقادی ومعنوی بابن مایه‌های مستحکم عاطفی است، تنها میل به ثواب و رسیدن به پاداش آخروی نیست که مؤمنی را، شاید از هزاران کیلومتر آن‌طرف‌تر و با پای پیاده، به مشهدالرضا^(ع) می‌کشاند. بخش مهمی از این عشق بی‌انته‌ا و این علاقه زایدا لوصف، ریشه در مهری دارد که بین زائر و امام^(ع) برقرار است؛ علاقه‌ای که بر اساس باورهای دینی ما، یک طرفه نیست و از وجود مقدس امام رضا^(ع) آغاز می‌شود. در واقع این اوست که زائر را به زیارت دعوت می‌کند، میزبان معنوی اومی‌شود

- آغاز یک سفر پرمخاطره

ماجرا به حدود ۲۹۱ سال قبل بر می‌گردد، حکومت صفویه سقوط کرده و کشور در آشوبی بزرگ فرو رفته بود. هر چند که تلاش‌های نادرقلی افشار برای سامان دادن به امور، امید به برقراری امنیت را در دل مردم زنده می‌کرد، اما هنوز تا تجربه دوباره روزگار اوج قدرت صفویه، فاصله زیادی وجود داشت. در آن ایام پرالتپا‌ه، یقینا حرکت به سوی مشهد و عزم زیارت غریب توس، کاری دشوار و بلکه خطرناک بود. خاصه آنکه این همه مصیبت و گرفتاری، باسرمای طاقت‌فرسای زمستان همراه شود. اما در بحرین، جایی که در آن روزگار بخشی از خاک سرزمین ایران بود، گروهی از شیعیان پاک‌باخته و دل‌داده اهل بیت^(ع)، عزمشان را جزم کرده‌بودند برای حرکت به سوی مشهد توس و زیارت قبر ثامن‌الحجج^(ع). در آن تلاقی سرما و دل‌هره، عشق به‌مولاد قلب‌ها شوری آفریده‌بود که هر وحشت و ابهامی را از دل می‌زدود. زائران بحرینی، دل به‌دریا زدند و «رضا^(ع)» گویان، راه مشهد را در پیش گرفتند، بدون آنکه به فکر زمستان سخت خراسان و مصائب آن باشند. شاید هم زائران بحرینی که عمری را در کرانه‌های گرم خلیج فارس گذرانده‌بودند، تجربه‌سرما و سختی آن را نداشتند. این بود که وقتی در مسیر جاده مشهد به نیشابور، کولاک برف و توفان سرد را به چشم دیدند و با همه

وجودشان حس کردند، سخت غافل گیر شدند. شدت برف بعد از رباط طرق و در نزدیکی‌های مشهد، آن‌قدر زیاد شد که زائران بحرینی را زمین گیر کرد. آن‌ها به زحمت قدری پیش رفتند. اما شب فرا رسید و ناچار، در پناه درختی خشکیده آثراق کردند. سرما هر لحظه بیشتر و بیشتر می‌شد و بوران، اجازه روشن کردن آتش نمی‌داد. طولی نکشید که سایه مرگ را بر سر خود دیدند، اما در آن لحظات پرتشویش، نور امید به رحمت‌الهی و عنایت امام رؤف، از دلشان دور نمی‌شد.

- خواب عجیب «حکیم‌سنا»

ساعتی از شب گذشته بود که طبق سنت همیشگی، درهای حرم مطهر بسته‌شد^(*). برخی از خادمان به جارو و نظافت مشغول شدند و گروهی دیگر، وسایل گرمایشی حرم راوارسی می‌کردند یا به امور چراغ‌های داخل رواق‌ها و روضه منوره می‌رسیدند. در آن روزگار، هنوز صحن نو ساخته نشده‌بود و سیدمحمدتقی رضوی، معروف به «میرشاهی»، متولی آستان قدس رضوی بود. مردی به غایت زاهد و اهل عبادت. شیخ عبدالنبی قزوینی فقیه مشهور قرن دوازدهم، درباره وی گفته‌است: «وقتی وارد روضه مقدسه رضوی می‌شد، گویی قالبی بی‌روح یا نقشی بر دیوار بود و اعتنا به هیچ مقام و شوکت و صولتی نمی‌نمود. در امانت‌داری و حق‌گویی در برابر قدرتمندان، وحید (یگانه) عصر بود)

جالب است بدانید پیش از عهد صفویه خبری از این پنجره نبود و مردمان پیش از آن زمان پنجره فولادی نداشتند که دلشان را به آن گره بزنند و از آقای خوبی‌ها بخواهند این گره تا دنیا دنیااست بر این پنجره باقی بماند. وقتی شیخ بهایی داشت صحن عتیق را می‌ساخت، یکی از علما به نام ملامحسن فیض کاشانی پیشنهادی داد که ثمره‌اش شد پنجره فولاد. آن زمان فیض گفت بهتر است این مکان به گونه‌ای ساخته شود تا افرادی که به هر دلیل نمی‌توانند وارد حرم امام رضا^(ع) شوند در این نقطه بایستند و بر ضریح امام عاشقان چشم بدوزند و حضرت را زیارت کنند. پنجره ساخته شد تا راهی که قدم‌ها نمی‌توانند بپیامند چشم‌ها طی کنند. از آن زمان تا کنون هر زائر یا مجاوری که نمی‌تواند قدم‌هایش را به ضریح برساند خودش را به پشت پنجره می‌رساند و زیارت‌نامه‌اش را می‌خواند. در دوره شاهرخ میرزای تیموری، همسر گوهرشاد خانم، پنجره‌ای از جنس فولاد ساخته و در این مکان نصب شد که تا سال‌ها باقی ماند. در دوره قاجار و با دستور ناصرالدین‌شاه پنجره‌ای از جنس برنز جایگزین شد. پنجره قدیمی به موزه رفت تا بخشی از تاریخ آستان قدس را آنجا روایت کند.

جایی که دل شکست و مریضی شفا گرفت

سیده‌نعمیه زینبی‌اندیای مامشهدی‌ها پر از صحنه‌هایی است که دستان را رسانده‌ایم به مشیک‌های فولادی یک پنجره در فاصله چند متری ضریح. همان جایی که تصویر رسیدن به حاجات را منعکس می‌کند. همان جایی که وقتی دلت آنجا می‌شکند ردخور ندارد. جایی که شاعر درباره‌اش می‌گوید: «دارم به سمت پنجره فولاد می‌روم-جایی که دل شکست و مریضی شفا گرفت».

فتوحرم

بیندازید، مثلا کتاب ارجمند «عیون اخبارالرضا^(ع)» نوشته شیخ صدوق که فصلی از آن، به روایت‌های شگفت‌انگیز حاجت‌گرفتن زائران درحرم قدس رضوی اختصاص یافته‌است، روایت‌هایی مانند گزارش مربوط به «مؤذن نیشابوری»، نخستین مؤذن حرم مطهر که در پی شفای بیماری‌اش، در قرن سوم هجری، از نیشابور به مشهد کوچ کرد و در جوار مضجع شریف امام رضا^(ع) سکونت اختیار کرد و باقی عمر را در این مکان مقدس، به خدمت مشغول شد. نمونه‌هایی از این دست، بیرون از شمارش هستند و آنکه دل در گرو مهر امام رؤف

گرفتار شده‌اند. با خادمان به کمک آن‌ها برو. متولی بی‌معطلی برخواست. خادمان را جمع کرد و به آن‌ها دستورهای لازم را داد. طولی نکشید که آن‌ها، با جلوداری سیدمحمدتقی رضوی، به سوی دروازه شرقی مشهد در پایین خیابان رفتند. همراهِت هست و در غیر این صورت به‌هدف نمی‌رسی. او افراد زیادی را به میهمانی می‌خواند و غذاهای لذیذ می‌خورانید، ولی خود به اندک چیزی قناعت می‌کرد. سیدمحمدتقی رضوی، می‌خواست آن‌شب را در حرم بگذراند و به عبادت بپردازد. تعدادی از خدام حرم نیز، چنین قصدی داشتند. او بعد از رسیدگی و بازرسی برخی فعالیت‌های کارکنان، وارد رواق دارالزهّد شد و در گوشه نشست. متولی اطراف آن‌ها را می‌شکست، حتی زوزه‌گرگی هم در آن شب‌هول‌انگیز به‌گوش نمی‌رسید. یکی از زائران، دقایقی به خواب رفت، اما ناگهان چشم‌گشود و به همسفرانش گفت: برخیزید! مردی سوار بر اسب از اینجارد شد و گفت، مردم و خادمان حرم به استقبال شما می‌آیند. بحرینی‌ها شگفت‌زده به هم نگاه‌کردند، آیا باید حرف دوستان را قبول می‌کردند؟ آیا او دچار توهم شده‌بود یا از رؤیایی صادق خبر می‌داد؟ تصمیم گرفتند که خواب او را جدی نگیرند و شاید، سرما آن قدر بد نشان را تحت تأثیر قرار داده‌بود که می‌ترسیدند حرکت از آن مکان، به‌مرگشان بینجامد. دقایق دیگری سپری شد. زائران بحرینی زیر گلیلم‌ها و فرش‌هایشان کز

از دور سوسو می‌زد و امید را در جان زائران ثامن‌الائمه^(ع)، روشن و روشن‌تر می‌کرد، زائران بحرینی نجات یافته‌بودند. نکته: گزارش مربوط به نجات زائران بحرینی، یکی از مشهورترین روایت‌های تاریخی مربوط به فرهنگ زیارت در قرن ۱۲ هجری قمری است، روایتی که ده‌ها سال در خاطره تاریخی مردم مشهد ماند و حتی به آثاری تاریخی، با محوریت تاریخ ائمه اطهار^(ع)، مانند «منتخب‌التواریخ»، اثر حاج ملاهاشم خراسانی راه یافت.

پی‌نوشت:

***تا پیش از پیروزی انقلاب اسلامی، درهای حرم امام رضا^(ع) را شب‌ها می‌بستند و برای اذان صبح باز می‌کردند. البته در شب‌های جمعه و اعیاد و مناسبت‌های مذهبی، درهای حرم شب‌ها بسته نمی‌شد.**



وحشت پشت وحشت!

روزنامه نوبهار در شماره ۲۱ خود و در سال یکم انتشارش مطلبی با عنوان «وحشت پشت وحشت»، منتشر کرده و در آن به اتفاقاتی اشاره می‌کند که در حرم روی داده است. اتفاقی که ختم به‌خیر شده و باعث می‌شود صدای نزاره‌خانه حرم بی‌موقع به صدا درآید. در نیمه‌محرم ۱۳۲۹ هجری قمری این خبر منتشر می‌شود؛ عصر یکشنبه ۱۳ پس از آنکه دسته‌ای عجیبه یزدی‌ها با تکلفات بیشمار وارد صحن شده و خارج شدند میان سه چهار نفر دربان و پلیس پشت‌بام صحن نزاع واقع شد. دربان‌ب‌اشی پلیس‌ها را از دربان‌ها جدا و توقیف می‌کند. پس از آن خبر به پلیس‌ها رسیده به هیئت اجتماع وارد صحن می‌شوند و عده‌ای از پلیس‌ها هم که همراه دسته یزدی‌ها بودند از دسته خارج شده و خود را به صحن می‌رسانند، بواسطه بد مسلكی یکی دو نفر پلیس‌ها بنای شلیک می‌گذارند،



روزنامه نوبهار در شماره ۲۱ خود و در سال یکم انتشارش مطلبی با عنوان «وحشت پشت وحشت»، منتشر کرده و در آن به اتفاقاتی اشاره می‌کند که در حرم روی داده است. اتفاقی که ختم به‌خیر شده و باعث می‌شود صدای نزاره‌خانه حرم بی‌موقع به صدا درآید. در نیمه‌محرم ۱۳۲۹ هجری قمری این خبر منتشر می‌شود؛ عصر یکشنبه ۱۳ پس از آنکه دسته‌ای عجیبه یزدی‌ها با تکلفات بیشمار وارد صحن شده و خارج شدند میان سه چهار نفر دربان و پلیس پشت‌بام صحن نزاع واقع شد. دربان‌ب‌اشی پلیس‌ها را از دربان‌ها جدا و توقیف می‌کند. پس از آن خبر به پلیس‌ها رسیده به هیئت اجتماع وارد صحن می‌شوند و عده‌ای از پلیس‌ها هم که همراه دسته یزدی‌ها بودند از دسته خارج شده و خود را به صحن می‌رسانند، بواسطه بد مسلكی یکی دو نفر پلیس‌ها بنای شلیک می‌گذارند،



گذری بر تاریخ شکل‌گیری منصب تولیت آستان قدس (قسمت اول)
نقیبان دیروز و قائم مقام تولیت در عصر قاجار



کمال سیستانی

نقبا نخستین کلیدداران حرم مطهر رضوی محسوب می‌شدند که با نقش مباشری و خادمی و در ابتدا از میان علویان انتخاب می‌شدند. در مکتوبات قدیمی، «حسین‌بن علی بن صاعد بربری» را نخستین سرپرست مضجع علی‌بن موسی‌الرضا^(ع) در حدود قرن سوم هجری می‌دانند و پس از آن اربلی (۶۸۳ قمری) در کتاب، کشف‌الغمه، از زنی یاد می‌کند که در روزگار سامانیان مباشرت بقعه مبارکه را برعهده داشته است. پس از علویان تاریخ از سادات موسوی به عنوان نقبای حرم مطهر رضوی نام می‌برد. اولین کسی هم که از این خاندان به عنوان نقیب مشهد انتخاب شده، میرزا بدرالدین نقیب (قرن ۸ قمری) و معاصر سلطان محمد خدابنده بوده که شهر مشهد را از تعرض و دستبرد «یساور»، محفوظ می‌دارد. اسناد تاریخی همچنین به، علاءالدوله علی حمیدی علوی مشهدی، به عنوان نقیب دوره تیموری اشاره دارد که از خاندان رضوی بوده است و گوهرشاد خاتون در وقف‌نامه خود تولیت بقاع متبرکه و اوقاف مذکوره مسجد گوهرشاد را به او واگذار می‌کند. در این دوره رضوی‌های مشهد بیشتر امور مربوط به حرم مطهر رضوی را بر عهده داشته‌اند.

- نقبا در دوره صفوی

پس از تیموریان و با رسمی شدن مذهب شیعه در دوره صفوی، شاه اسماعیل اول، سرسلسله‌دودمان صفوی نیز درحالی‌که غیاث‌الدین محمدصدر رضوی از دوره تیموریان هنوز متولی حرم بود، اداره حرم را به یکی از منشیان برجسته خود «خواجه عتیق‌علی منشی» و اداره موقوفات را که در این دوره به دلیل نظم امور و ایجاد تشکیلات آستان قدس رضوی رشد چشمگیری پیدا کرده بوده به غیاث‌الدین محمد، می‌سپارد. این رویه تا دوره شاه طهماسب اول ادامه می‌یابد اما پس از این است که او، این رویه را که موروثی بوده است، لغو می‌کند و تصمیم می‌گیرد، تولیت را خود انتخاب کند. «امیرابوالولی»، پسر میرشاه محمود انجوی شیرازی که یکی از فقیهان شیعه بود، انتخاب این تاجدار است که در میانه اسناد عنوان نخستین تولیت حرم مطهر را از آن خود کرده است.

- نقبا در عصر افشاری

تولیت آستان قدس رضوی در دوره افشار از نظم و انضباط دوران صفوی برخوردار نبوده است؛ زیرا سقوط صفویه و تصرف ایران توسط افغان‌ها، وضعیت اوقاف در این خطه را آشفته کرده بوده و مشهد مرتب بین افراد دست به دست می‌شده است. متولیان این دوره هم مانند عصر صفوی از میان سادات و علما انتخاب می‌شدند و به ثبات از شاه در امور مداخله می‌کردند، هر چند نفوذ آن‌ها در این دوره به اندازه دوره صفوی نبود، اما تهیه طومار عیشاشاهی، توسط «علی شاه، برادرزاده نادر که با کمک علما و صاحب‌منصبان آستان قدس انجام شد نکته مثبتی در این دوران است که سبب شد، وضعیت موقوفات را از حالت آشفتنگی دوره نادر درآورد و به نظم دوره صفویه برگرداند. اسناد باقی‌مانده از محمدرضا رضوی (۱۱۴۸ تا ۱۱۵۳ هجری قمری)، عبدالحی رضوی (۱۱۵۳ تا ۱۱۵۶ هجری قمری)، سید محمد متوسلی (۱۱۵۶ تا ۱۱۶۰ هجری قمری)، محمدابراهیم رضوی (۱۱۶۰ تا ۱۱۶۳ هجری قمری)، میرزا داوود حسینی (۱۱۶۳ هجری قمری)، محمدعلی رضوی (۱۱۶۳ تا ۱۱۶۶ هجری قمری)، محمدشریف (۱۱۶۶ تا ۱۱۷۸ هجری قمری)، محمدعلی رضوی (۱۱۷۸ تا ۱۱۸۱ هجری قمری) و ابوطالب حسینی اصفهانی (۱۱۸۱ تا نامعلوم) به عنوان نقبای دوره افشاری نام می‌برند. ناگفته نماند که در این دوران به جای واژه نقیب از «سرکار فیض آثار»، استفاده می‌شده است.

- قائم مقام تولیت در دوره قاجار

در دوران قاجار اختیارات تولیت آستان در منطقه خراسان به‌شدت افزایش می‌یابد؛ زیرا به دلیل درگیری بین جانشینان شاه‌رخ‌نادری و هرح و مرج اوایل دوره قاجار، آستان قدس تا مدت‌ها از تولیت برخوردار نبوده است و اداره‌اش در اختیار صاحب منصبان و بزرگان آن قرار می‌گیرد. اسناد باقی‌مانده از آن دوره حاکی از آشفتنگی و نبود نظم در امور آستانه است. در آن زمان این وضعیت تا آمدن میرزا موسی‌خان قرا‌هانی ادامه داشته است. ولی با تلاش و کوشش وی اوضاع بهبود یافت و تولیت در دوره قاجار با دوره‌های قبلی تفاوت‌های ماهوی زیادی پیدا می‌کند.

در اولین سندی که از سال ۱۲۲۰ هجری قمری از آستان قدس باقی‌مانده، از محمدعلی با القاب صدارت و جلالت و تولیت و ... نام برده شده است که مشخص می‌شود در این زمان محمدعلی حسینی که قبلا صدر بوده، اکنون متولی آستان قدس است. از سال ۱۲۲۱ قی قبض رسید پرداخت حق‌التولیه از محل موقوفات آستان به میرزا محمدعلی حسینی باقی‌مانده که وی آن را با سجع عبیده محمدعلی‌الحسینی امضا کرده‌است. پس از این تا سال ۱۲۲۷ قی نام و مهر او به عنوان متولی آستان بر اسناد باقی‌مانده‌است. اما نکته جالب در این دوران وجود منصبی دیگر به نام «قائم مقام تولیه»، است که بر پژوهش دکتر ابوالفضل حسن‌آبادی برای نخستین بار می‌توان در فرمان ناصرالدین‌شاه قاجار در ربیع‌الاول ۱۳۱۱ هجری قمری دید که طی حکمی به سید محمد رضوی اعطا شده است. از ویژگی‌های این فرمان این است که تنها حکم در اختیار از مشاغل آستان قدس است که زمان ایجاد، علت آن و اولین دریافت‌کننده آن مشخص شده است.

- حدود دامنه و اختیارات

میزان قدرت و اختیارات قائم مقام در حکم اعطایی ناصرالدین شاه با واقعیت اجرایی آن تفاوت بسیار دارد و حکم با توجه به در نظر گرفتن سیستم اداری آن زمان صادر نشده است. در واقع تأکید شاه بر لزوم نظارت به نوعی اشاره به اداره بازرسی امروز در آستان قدس دارد و از این قرار بوده است؛ نظارت بر معاملات و بررسی آن‌ها قبل از امضای متولی، نظارت بر امور وقفی و خرجکرد وقف‌نامه‌های مطلقه و غیرمطلقه، اعتبار نداشتن اسناد در صورت نبود امضای قائم مقام، جانشین تولیت در صورت نبودن متولی و نظارت بر صدور احکام برات‌ها، در بخش دوم این گزارش تاریخ تولیت آستانه را در دوره قاجار بیشتر بررسی خواهیم کرد.



۴شنبه
۳۰ اسفند ۱۳۹۱
۱ شعبان ۱۴۱۴
شماره ۳۸۸

۱۵



تاریخ و هویت